

بخش حکمت‌های شگفتی‌آور از سخنان امیر المؤمنین علیه السلام

(در این فصل برخی از سخنان برگزیده شگفتی‌آور امام را می‌آوریم که احتیاج به تفسیر و تحلیل دارد).

(4001)

1- روایتی از امام

اشاره به ظهور امام زمان علیه السلام

چون آنگونه شود، پیشوای دین^۱ قیام کند، پس مسلمانان پیرامون او چونان ابر پاییزی گرد آیند.

(«يعسوب» یعنی بزرگ مسلمانان، و «قزع» یعنی ابرهای پاییزی)

(80193-80148) (4002)

2- روایتی دیگر از امام

سخنوری

این سخنران، زبردست ماهر است.^۲

(«شحشح» یعنی مهارت دارد، به کسی که خوب حرف می‌زند یا خوب راه می‌رود گویند، ولی در موارد

دیگر «شحشح» یعنی فردی بخیل)

(80222-80194) (4003)

¹ (۱) يعسوب: یعنی رهبر و ملکه زنبور عسل، در اینجا یعنی رهبر امت اسلام.

² (۲) منظور، صعصعة بن صوحان است که از یاران خاص امام علیه السلام بود و سخنران با مهارتی بود، مغیره بن شعبه به دستور معاویه او را تبعید کرد و در سال ۶۰ هجری در تبعیدگاه خود درگذشت.

3- روایتی دیگر از امام

پرهیز از دشمنی کردن

دشمنی، رنج‌ها و سختی‌هایی هلاک‌کننده دارد (80229-80223).

(«قحم» یعنی مهلکه‌ها، زیرا دشمنی آنان را به هلاکت می‌رساند، و به معنی سختی‌ها نیز آمده که می‌گویند «قحمة الاعراب»، یعنی روزگار سختی و گرسنگی عرب‌ها به گونه‌ای که اموالشان تمام می‌شود (80255-80230)، و معنی «تقحم» همین است که می‌گویند خشکسالی روستاییان را به سرزمین‌های سبز و آباد کشانده است) (80274-80256).

(4004)

4- روایتی دیگر از امام

سرپرستی زنان

چون زنان بالغ شوند، خویشاوندان پدری برای سرپرستی آنان سزاوارترند (80285-80275).

منظور از «نص» آخرین درجه هر چیز است، مانند «نص» در سیر، که به معنی آخرین مرحله توانایی مرکب است، هنگامی که می‌گوییم، «نصصت الرجل عن الأمر» آنقدر سؤال از کسی بشود که آنچه می‌داند بیان کند (80315-80286)، بنا بر این «نص الحقائق» بمعنی رسیدن به مرحله بلوغ است که پایان دوره کودکی است، این جمله از فصیح‌ترین کنایات و شگفت‌آورترین آنها است (80342-80316)، منظور امام این است، هنگامی که زنان باین مرحله برسند «عصبه»: مردان خویشاوند پدری که محرم آنان هستند، مانند برادر، و عمو، به حمایت آنها سزاوارتر از مادرند، و هم چنین در انتخاب همسر برای آنها (80364-80343)، و منظور از حقائق مخالفت و درگیری مادر، با عصبه، در مورد این زن است، به طوری که هر کدام به دیگری می‌گویند: من از تو احق هستم (80393-80365)، گفته می‌شود:

(1) یعسوب: یعنی رهبر و ملکه زنبور عسل، در اینجا یعنی رهبر امت اسلام.

(2) منظور، صعصعة بن صوحان است که از یاران خاص امام علیه السلام بود و سخنران با مهارتی بود، مغیره بن شعبه به دستور معاویه او را تبعید کرد و در سال 60 هجری در تبعیدگاه خود درگذشت.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: 689

«حاققه حقاقا» بمعنی رشد عقلی است، یعنی به مرحله‌ای برسد که حقوق و احکام در باره او اجرا شود، اما آن کس که نص الحقائق نقل کرده منظورش از حقایق، جمع «حقیقت» است (80425-80394). این بود معنایی که «ابو عبید قاسم بن سلام»³ برای این جمله کرده است، اما نظر من این است که منظور از «نص الحقاقا» این است که زن به مرحله‌ای برسد که جائز باشد تزویج کند، و اختیاردار حقوق خود شود، این در حقیقت تشبیه به «حقاقا» در شتر است (80458-80426) چرا که «حقاقا» جمع حقه و «حق» است به معنی شتری که سه سالش تمام و آماده بهره‌برداری است.

«حقاقا» نیز جمع حقه است (80495-80459)، بنا بر این هر دو تعبیر به یک معنی باز می‌گردد، هر چند معنی دوم به روش عرب شبیه‌تر است (80510-80496).

(4005)

5- روایتی دیگر از امام

تأثیر ایمان در روح

ایمان نقطه‌ای نورانی در قلب پدید آورد که هر چه ایمان رشد کند آن نیز فزونی یابد (80525-80511).

(لمظة نقطة سياه یا سفید است، می‌گویند فرس المظ، یعنی اسبی که در لب او نقطه سپیدی باشد)

(80544-80526) (4006)

³ (۱) ابو عبید بن هروی از دانشمندان فقه و حدیث و ادب بود که در سال ۲۲۲ هجری درگذشت.

6- روایتی دیگر از امام

ضرورت پرداخت زکات

هر گاه انسان طلبی دارد که نمی‌داند وصول می‌شود یا نه، پس از دریافت آن واجب است زکات آن را برای سالی که گذشته، بپردازد (80563-80545).

می‌گوییم: (بنا بر این «دین ظنون» آن است که طلب کار نمی‌داند آیا می‌تواند از بدهکار وصول کند یا نه؟ گویا طلب کار در حال ظن و گمان است، گاهی امید دارد که بتواند آن را بستاند، و گاهی امید دارد که بتواند آن را بستاند، و گاهی نه، این از فصیح‌ترین سخنان است، همچنین هر کاری که طالب آن هستی و نمی‌دانی در چه موضعی نسبت به آن خواهی بود، آن را «ظنون» گویند (80606-80564). و گفته ائشی شاعر عرب از همین باب است، آنجا که می‌گوید: «چاهی که معلوم نیست آب دارد یا نه، و از محلی که باران گیر باشد دور است، نمی‌شود آن را همچون فرات، که پر از آب است، و کشتی و شناگر ماهر را از پا در می‌آورد، قرار داد» (80629-80607) «جد» چاه قدیمی بیابانی را گویند، و ظنون آن است که معلوم نیست آب دارد یا نه (80645-80630).

(4007)

7- روایتی دیگر از امام

(وقتی لشکری را در راه جنگ مشایعت می‌کرد فرمود)

اخلاق نظامی

تا می‌توانید از زنان دوری کنید

(80659-80646) می‌گوییم: (معنی این سخن آن که از یاد زنان و توجه دل به آنها در هنگام جنگ، اعراض کنید، و از نزدیکی با آنان امتناع ورزید، چه اینکه این کار بازوان حمیت را سست، و در تصمیم شما خلل ایجاد می‌نماید، و از حرکت سریع، و کوشش در جنگ باز می‌دارد (80695-80660)، هر

کس که از چیزی امتناع ورزد گفته می‌شود «عذب عنه» و «عازب» و «عذوب» به معنی کسی است که از خوردن و آشامیدن امتناع می‌ورزد (80712-80696).

(4008)

8- روایتی دیگر از امام

امید به پیروزی

مسلمان چونان تیراندازی ماهری است که انتظار دارد، در همان نخستین تیراندازی پیروز گردد (80723-80713).

(1) ابو عبید بن هروی از دانشمندان فقه و حدیث و ادب بود که در سال 222 هجری در گذشت.

نهج البلاغه / ترجمه دشتی، ص: 691

می‌گویم: (یاسرون، کسانی هستند که با تیرها بر سر شتری مسابقه می‌دهند، و فالج، یعنی چیره دست پیروز، می‌گویند. قد فلج علیهم و فلجهم. یعنی بر آنان پیروز شدند، و آنان را مغلوب کردند، و راجز⁴ می‌گوید: چیره دستی را دیدم که پیروز شد.)

(80748-80724) (4009)

9- روایتی دیگر از امام

جهاد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

هر گاه آتش جنگ شعله می‌کشید، ما به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پناه می‌بردیم، که در آن لحظه کسی از ما همانند پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به دشمن نزدیک‌تر نبود (80768-80749).

⁴ (۱) راجز، فضل بن قدامه عجلوی و لقب او، ابو النجم است، او از شاعران عصر اموی است که در سال ۱۳۰ هجری درگذشت.

(وقتی ترس از دشمن بزرگ می‌نمود، و جنگ به گونه‌ای می‌شد که گویا جنگجویان را می‌خواهد در کام خود فرو برد، مسلمانان به پیامبر پناهنده می‌شدند، تا رسول خدا شخصا به نبرد پردازد، و خداوند به وسیله او نصرت و پیروزی را بر آنان نازل فرماید، و در سایه آن حضرت ایمن گردند (80800-80769)، اما جمله

«اذا احمر البأس»

کنایه از شدت کارزار است. در این باره سخنان متعددی گفته شده که بهترین آنها اینکه امام داغی جنگ را به شعله‌های سوزان آتش تشبیه کرده است (80829-80801)، و از چیزهایی که این نظر را تقویت می‌کند، سخن پیامبر در جنگ حنین است، هنگامی که نبرد سخت شد و شمشیر زدن مردم را در جنگ «هوازن» مشاهده کرد فرمود:

«الآن حمى الوطيس»

اکنون تنور جنگ داغ شد (80851-80830)، «وطیس» تنور آتش است، بنا بر این رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم داغی و گرمی جنگ را به افروختگی و شدت شعله‌وری آتش تشبیه فرموده است (80868-80852).

(1) راجز، فضل بن قدامه عجللی و لقب او، ابو النجم است، او از شاعران عصر اموی است که در سال 130 هجری درگذشت.